

تاریخ المعصومین

شیخ علی اکبر مروّج خراسانی

به کوشش: محمد جواد طالبی هنزائی

مقدمه

دانشمند محقق مرحوم میرزا علی اکبر بن غلام علی ملقب به مروّج الاسلام خراسانی متخلص به شفیق کرمانی، به سال ۱۳۱۰ ق = ۱۲۷۱ ش، در کرمان چشم به گیتی گشود و پس از تحصیلات اولیه در زادگاهش به حوزه علمیه مشهد مقدس کوچید. و در آنجا از محضر عالمان آن سامان از جمله:

- محدث قمی

- ملا هاشم خراسانی

- محدث بیرجندی

- شیخ علی اکبر نهاوندی

به تلمیذی و کسب علوم و معارف الهی پرداخته و همچنین از بزرگانی همچون:

- شیخ آقا بزرگ تهرانی

- میرزا محمد علی اردوبادی

- میرزا محمد سامرائی

- آقا شیخ حسین مقدسی

موفق به کسب اجازه گردید.

نظربه خلوص و کمال سادگی و تبحر غیر قابل وصف ایشان در امر منبر جهت تبلیغ و ترویج شریعت اسلام و اقامه عزای حسینی ملقب به مروج الاسلام گردید. این عالم بزرگوار و مبلغ خبره دینی نهایتاً پس از حدود یک قرن تلاش بی وقفه در امر تبلیغ دین در سن ۹۰ سالگی به سال ۱۴۰۰ ق = ۱۳۵۸ ش، در مشهد رضوی جان به جانان تسلیم و حجاب خاک بر سر کشیده و در صحن عتیق آستان قدس رضوی مدفون گردید. از ایشان آثار گرانسنگی در موضوعات مختلف به یادگار مانده که اهم آنها از این قرار است:

۱. نفائس اللباب . در سه جلد که از دوهزار کتاب جمع آوری نموده است
۲. دفائن اکبری و خزائن مروجی در سه جلد
۳. دارالسرور فی ما يتعلق بذوی الشورور
۴. رساله ای در اضداد لغت عرب
۵. خزانه اللطائف
۶. نخبة الاحادیث
۷. منتخب الاشعار
۸. منتخب الازکار
۹. هدایة المحدثین (مقاله حاضر از چند برگ انجام این رساله انتخاب شده)
۱۰. توسل نامه
۱۱. کرامات الرضویه در دو جلد .
۱۲. سوانح الایام (نفائح العلام فی سوانح الایام) ^۱
۱۳. تاریخ معصومین
۱۴. حواشی منتخب التواریخ
۱۵. مطلع النور فی ما يتعلق بالامام المسطور....



ماده تاریخ و ماده تاریخ سازی

در طول دوازده قرن سلطه زبان دری به عنوان زبان ادبی و علمی و اداری این سرزمین، ذوق جمال پرست و تخیل بلند و دورنگر و طبع وقاد و جوال ایرانی در پهنه ادب و گستره شعرو نثر فارسی مظاهر بسیار با شکوه و زیبایی به دست داده که در درازای زمان همواره موجب شکفتگی خاطر و روشنی بخش دل بوده که یکی از این جلوه های زیبایی ذوق و اندیشه ایرانی رامی توان ماده تاریخ و ماده تاریخ سازی نامید.

جهت حفظ و ضبط صحیح تاریخ وقایع مختلف از تولد و مرگ و ازدواج، فتح و شکست، جلوس و تأسیس بناهای مذهبی یا عام المنفعه، با حفظ تناسب کلمات و عبارات با اصل واقعه که یکی از مظاهر تجلی فکری و نمودارهای ذوق سلیم و زیبا پرستانه است، نیاز به ماده تاریخ یعنی مقید کردن ارقام فرار و اشتباه پذیر ریاضی به حروف دری و بیان ساهلای تاریخی در قالب کلمات و عبارات و جمل است. که آغاز آن رامی توان حدود قرن چهارم هجری قمری دانست اگر چه امروز ماده تاریخ بصورت کم رنگ جریان دارد.

قدیمی ترین ماده تاریخ از کسائی مروزی است که ماده تاریخ تولد خود را در شعر بدین صورت آورده است:

به سیصد و چهل و یک رسید نوبت سال چهارشنبه و سه روز باقی از شوال
بیامدم به جهان تا چه گویم و چه کنم سرود گویم و شادی کم به نعمت و سال

ایرانی ها که در جستجوی افقهای تازه و فضاهاى جدید هستند به دنبال نوآوری در این علم پرداختند لذا ماده تاریخ جنبه فنی به خود گرفت و در عصر صفویه با تعمیم^۱ در آمیخت و با معما سازی جفت و جور شد.

گذر زمان باعث شده که فقط خواص از پس آن معماها بر می آمدند و همین امر در دوره قاجار باعث رکود ماده تاریخ شد. در زمان شاه عباس صفوی ماده تاریخ استارد دوباره خورد ولی چون او به معماگویی اعتقادی نداشت باز به رکود گرایید.

امروزه ماده تاریخ و ماده تاریخ سازی دیگر با وجود تقویم، کتاب، دفتر سالنامه و

۱. تعمیم در لغت به معنای کورکردن و در اصطلاح شعر، یکی از صنعتهاست که به صورت لغز و معما خود نمائی می کند.

ماهنامه جایگاهی ندارد. اینکه روزگار ما خریدار چنین هنری نیست، دلیل بر نادیده انگاشتن آنچه در دفاتر کهن و دواوین شعر و کتبییه ها است نبوده و حتی بعضی از صفحات کتابها با همین ماده تاریخ ها شماره گذاری شده اند.

ماده تاریخ سازی در شعر برای یک شاعر هنر تلقی شده که سراینده ویژگی خاصی را به اشعارش می دهد. سرایندگان ماده تاریخ ساز در قالب شعر تاریخ را با هنر خود می آریند و آن را جاودانه می سازند. لذا است که از نبوغ و ذوق خود تاریخی را در حد اعجاز فصاحت کلام می آفرینند.^۱

در این مقاله سراینده تاریخ مورد نظر را در عبارات یا واژه ای معنی دار به حساب جمل^۲ با سال مورد نظر در شعر بیان می کند. قدرت طبع سراینده تاریخی ماندگار و جاودانی را در اذهان مردم در راستای تولد و شهادت ائمه علیهم السلام ساخته تا بدین صورت تسریع در دست یابی به ایام ولادات و وفیات ائمه در همیشه تاریخ از خاطر محو نگردد.

نظربه اهمیت موضوع، علماء کتابها و رساله های بسیاری در تاریخ اهل بیت علیهم السلام به رشته تحریر در آورده اند که در اینجا به چند نمونه آن اشاره می گردد.

۱. اسماء النبی و الائمه علیهم السلام

للحسین بن حمدان الخنصیی، الجنبلانی (م ۳۵۶ ق)

۲. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد علیهم السلام

للشیخ المفید، ابی عبدالله، محمد بن محمد بن نعمان، العکبری البغدادی (م ۴۱۳ ق)

۳. اعلام الوری باعلام الهدی علیهم السلام

للشیخ الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق)

۴. انساب الائمه و موالیدهم الی صاحب الامر علیه السلام

للحسن بن علی بن عمر بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب، ابی محمد،

الاطروش، المعروف بالناصر الکبیر (م ۳۰۴ ق)

۵. الانوار فی تاریخ الائمه الاطهار علیهم السلام

۱. مبحث ماده تاریخ برگرفته از کتاب حساب جمل در شعر فارسی و فرهنگ تعبیرات رمزی. اثر مهدی صدری. مرکز نشر دانشگاهی تهران چاپ اول سال ۱۳۷۸ ش، صفحات مختلف.

۲. در حروف ابجد ۲۸ حرف اصلی وجود دارند که عبارتند از: ابجد، هوز، حطی، کلمن، سعفص، قرشت، ثخذ، ضظغ.

- للشيخ محمد بن همام بن سهل، ابي علي، الكاتب الاسكافي (م ٣٣٢ق)
٦. تاريخ المواليد
- للشيخ الفضل بن الحسن، ابي علي، الطبرسي، امين الاسلام (م ٥٤٨ق)
٧. تاريخ آل الرسول ﷺ
- رواية المحدث نصر بن علي بن نصر بن علي، ابي عمرو، الجهمي البصري (م ٢٥٠ق)
٨. تاريخ الأئمة ﷺ = مواليد اهل البيت = مواليد الأئمة
- للشيخ عبد الله بن احمد بن الخشاب، ابي محمد، النحوي (م ٥٦٧ق)
٩. تاريخ الأئمة ﷺ
- للشيخ محمد بن احمد بن محمد بن عبد الله ابي الثلج، ابي بكر البغدادي، الكاتب، المعروف بابن ابي الثلج (م ٣٢٥ق)
١٠. التواريخ الشرعية عن الأئمة المهديّة ﷺ
- للشيخ احمد بن فهد، ابي العباس، الحلبي (م ٨٤١ق)
١١. الشذرات الذهبية في تراجم الأئمة الاثني عشر ﷺ
- محمد بن طولون، شمس الدين، الدمشقي (م ٩٥٣ق)
١٢. الفصول المهمة
- لابن الصباغ المالكي علي بن محمد بن احمد (م ٨٥٥ق)
١٣. كشف الغمة في معرفة الأئمة ﷺ
- علي بن عيسى بن ابي الفتح، ابي الحسن الاربلي (م ٦٩٣ق)
١٤. المستجاد من الارشاد وهو مختصر الارشاد للشيخ المفيد
- للشيخ الحسن بن المطهر الحلبي، الشهير بالعلامة (م ٧٢٦ق)
١٥. المختصر في احوالات الاربعة عشر ﷺ
١٦. للشيخ راشد بن ابراهيم بن اسحاق، البحراني (م ٦٠٥ق)
١٧. مفاتيح الدرر في احوال الانوار الاربعة عشر
- للشيخ حسين بن علي، من احفاد الشيخ البهائي، العامل
١٨. ملحة الامة الى لمحّة الأئمة ﷺ
- للشيخ السماوي، صاحب المنتقطات، هو محمد بن طاهر النجفي
١٩. الملمة في تواريخ الأئمة ﷺ

- للشيخ محمد طاهر السماوى العقيلي
٢٠. منتهى الآمال فى تواريخ النبى والآل عليه السلام
للشيخ عباس بن محمد رضا القمى (م ١٣٥٩ق)
٢١. الموالي
ابن شهر آشوب
٢٢. الموالي
لنصر الجهمى
٢٣. موالي الائمة وفضائلهم عليهم السلام
للشيخ رجب بن محمد، البرسى، الحلى، رضى الدين
٢٤. موالي اهل البيت عليهم السلام
لابن الخشاب
٢٥. نظم كتاب « بهجة المباحج فى تلخيص مباحج المهج »
نظم تقى الدين، محمد، التونى، الهروى (م ٩٧٠ق)
٢٦. الهداية فى تاريخ النبى والائمة عليهم السلام
للحسين بن حمدان، الخصبى، الجنبلاى النصيرى (م ٣٥٨ق)
٢٧. وفيات المعصومين عليهم السلام
لبعض الاصحاب
٢٨. وقائع الائمة الاثنى عشر عليهم السلام
٢٩. اليتيمة فى تواريخ الائمة عليهم السلام
للسيد على بن احمد، تاج الدين، الحسينى، العاملى^١



١. اسامى كتابها برقرفته از: تاريخ اهل البيت عليهم السلام {نقلا} المروى عن الائمة الباقر والصادق والرضا والعسكرى عليهم السلام {عن آباؤهم عليهم السلام} رواه المحدث نصر بن على الجهمى متوفى ٢٥٠ ق. تحقيق سيد محمد رضا الحسينى الجلالى - مكتبة العلامة المجلسى - قم طبع ثالث . سنه ١٤٣٥ق.

متن رساله تاریخ المعصومین

مقدمه ناشر

مخفی نماند که چون جناب مؤلف دام عزه از تالیف این رساله {هدایة المحدثین} فارغ گردید رساله دیگر موسوم بتاریخ المعصومین تألیف فرموده و در آن همه اختلافات و ولادات و وفیات چهارده معصوم علیهم السلام را از حیث شهور و ایام از کتب عامه و خاصه جمع آورده و برای سال ولادت و شهادت هریک، ماده تاریخی بتعمیه یا غیرتعمیه بحساب ابجدی در ضمن یک فرد شعر ذکر نموده و بسا در بعضی موارد بلحاظ اختلاف در سال دو یا سه ماده تاریخ بدو یا سه بیت انشاء فرموده ولی افسوس که بجهت امری طبع آن تعویق افتاده و لکن بعض آن اشعار برای زیادتى نفع در این رساله ذکر میشود تا هرکس آن اشعار را حفظ نماید سال ولادت و شهادت را بسهولة دریابد و جناب مؤلف را بدعاى خیر یاد نماید خذها و اغتنم فانها عزیزة جدّا.

وفات حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وآله:

گر کنی «زندگی»^۱ کم از «اصحاب»^۲ فوت احمد شود ز دهر خراب (سال ۱۱۱ق)

در ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام:

جان فدای علی ولی الله مولد آنشه است بیت الله
گشته تاریخ بعد عام الفیل اول «لا» اله الا الله (سال ۳۰ق)^۳

در سال شهادت آنحضرت است:

شکافت فرق علی در نماز بن ملجم بمه روزه و بد سال سر «ماتم» (سال ۴۰ق)^۴

۱. {زندگی به حروف ابجد می شود: جمعا ۹۱ (ز=۷-ن=۵-د=۴-گ=۲۰-ی=۱۰)}

۲. {اصحاب به حروف ابجد می شود: ۱۰۲ (الف=۱-ص=۹۰-ح=۸-الف=۱-ب=۲ لذا سال وفات حضرت
۱۰۲-۹۱=۱۱}

۳. {اول کلمه لا اله الا الله لام است که به حروف ابجد می شود ۳۰}

۴. {اول ماتم میم است که به حروف ابجد می شود ۴۰}

در وفات حضرت صدیقه علیها السلام

سنه فوت حضرت زهرا گویمت «جان»^۱ برفت از «دنیا» (سال ۱۱ق)^۲ و^۳

در سال میلاد سبط اول امام حسن علیه السلام

سال میلاد مجتبی سر «جان»^۴ یا که حروف نخست «بسمله» دان (سال ۲ یا ۳ق)^۵

در سال رحلت آن سرور است :

سال فوت حسن امام انام آه شد «افق»^۶ خالی از «اسلام»^۷ (سال ۴۹ق)^۸ قول دیگر که قول اهل فن است

در سال ولادت حضرت حسین علیه السلام

سال میلاد شاه تشنه جگر سر «دین»^{۱۰} است نزد اهل خبر (سال ۴ق)

در سال شهادت سید الشهداء :

سال قتل حسین بی ناصر لفظ «اندوه» بوده بی آخر^{۱۲} (سال ۶۱ق) قول^{۱۱} دیگر بگفت غمگینی سر «دین»^۱ را برید بی دینی (سال ۶۰)

۱. جان به حروف ابجد می شود: ۵۴ (ج = ۳ - الف = ۱ - ن = ۵۰)

۲. دنیا به حروف ابجد می شود: ۶۵ (د = ۴ - ن = ۵۰ - ی = ۱۰ - الف = ۱)

۳. {۶۵ - ۵۴ = ۱۱}. شهادت حضرت زهرا علیها السلام سال ۱۱ق (بعد هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

۴. حروف اول کلمه جان جیم است که به حروف ابجد می شود ۳.

۵. حرف نخست بسمله با است که به حروف ابجد می شود ۲ لذا سال ولادت آن حضرت سال ۲ یا ۳ ق. است.

۶. {کلمه افق به حساب حروف ابجد می شود ۱۸۱ (الف = ۱ - ف = ۸۰ - ق = ۱۰۰)}

۷. {کلمه افق یعنی ۱۸۱ را از کلمه اسلام ۱۳۲ کسر کنیم میشود ۴۹ سال شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است}

۸. {کلمه اسلام به حساب حروف ابجد می شود: ۳۲ (الف = ۱ - سین = ۶۰ - لام = ۳۰ - الف = ۱ - میم = ۴۰)}

۹. {قول دیگر حروف نون آخرین حروف کلمه حسن است که ۵۰ می شود. دو سال ۴۹ و ۵۰ روایت شده است.}

۱۰. {سر دین اول کلمه دین یعنی دال است که به حساب ابجد می شود ۴. سال چهارم هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تولد امام حسین علیه السلام است.}

۱۱. {قول دیگر در شهادت امام حسین (ع) سال ۶۰ ق است}

۱۲. {کلمه اندوه بدون حرف آخر یعنی بدون ه می شود ۶۱ (الف = ۱ - ن = ۵۰ - د = ۴ - و = ۶) سال ۶۱ ق شهادت امام



در سال میلاد زین العابدین علیه السلام

اهل طاعت بود چون زین العباد «اهل»^۲ دان میلادش ای اهل رشاد (سال ۳۶ق)

در سال شهادت آنجناب است

نیمه لام از «علی»^۳ بنمای کم فوت زین العابدین بنما رقم (سال ۹۵ق)

در سال ولادت حضرت باقر العلوم علیه السلام

سال میلاد حضرت باقر^۴ جو ز لفظ «مجید»^۵ و شو شاکر (سال ۵۷ق)

در سال شهادت آن بزرگوار است:

سال فوت محمد بن علی یک محمد بود دو عشر «علیا» (سال ۱۱۴ق)^۶

در سال ولادت ابی عبدالله الصادق علیه السلام

چونکه وجه خدا بود صادق سال میلاد جو ز «وجه الله» (سال ۸۰ق)^۷

قول دیگر بنزد اهل سیر سال میلاد او است «حزب الله» (سال ۸۳ق)^۱

حسین (ع) است.}

۱. {دین بدون دال به حساب ابجد می شود ۶۰ (ی = ۱۰ - ن = ۵۰ = دو سال ۶۰ و ۶۱ روایت شده است.}

۲. {سال ولادت امام سجاد (ع) سال ۳۶ ق است. کلمه اهل به حساب حروف ابجد می شود: ۳۶ (الف = ۱ - ه = ۵ - لام = ۳۰ =

۳. {علی به حروف حساب ابجد می شود: ۱۱۰ که نصف عدد حرف لام ۱۵ می شود: ع = ۷۰ - لام = ۳۰ - ۱۵ = ۱۰ - لذا سال شهادت آن حضرت ۹۵ ق است. در منتهی الامال جلد دوم صفحه ۹۲ سالهای ۹۴ و ۹۵ برای شهادت آن حضرت ذکر شده است.}

۴. {سال ۵۷ ق ولادت امام باقر (ع) است.}

۵. {کلمه مجید به حساب حروف ابجد می شود: ۵۷ (میم = ۴۰ - جیم = ۳ - ی = ۱۰ - دال = ۴ =

۶. {کلمه علی به حساب حروف ابجد می شود ۱۱۰ و عشر آن ۱۱ و دو عشر آن ۲۲ که جمعا می شود سال ۱۱۴ که سال شهادت

امام باقر (ع) است. کلمه محمد ۹۲ است: مم = ۴۰ - ح = ۸ - مم = ۴۰ = دال = ۹۲، ۴ = یاد و عشر علی یعنی ۲۲ می شود ۱۱۴

۷. {کلمه وجه الله به حساب حروف ابجد می شود ۸۰ (واو = ۶ - جیم = ۳ - ه = ۵ - الف = ۱ - لام = ۳۰ - لام = ۳۰ =

- در شهادت آن امام همام است :
 ضبط گردیده است بر صادق آل
 «علی و آل»^۲ نزد اهل کمال (سال ۱۴۸ق)
- در سال ولادت کاظم اهل بیت علیهم السلام
 سال میلاد موسی صالح
 «واجب الطاعه»^۳ است یا «صالح» (سال ۱۲۹ق)^۴
- در سال شهادت آن مولا است:
 موسی کاظم عمده دین است
 فوت آن شاه «عمده دین»^۵ است (سال ۱۸۳ق)
- در سال میلاد حضرت ثامن الائمه علیه السلام :
 چون بود امام هشتمین وجه الحق
 قول دیگر بمولد آن شاه
 تاریخ ولادتش بود «وجه الحق» (سال ۱۴۸ق)^۶
 «لله الحمد»^۷ گشته شو آگاه (سال ۱۵۳ق)
- در سال رحلت سلطان الاولیاء :
 بر «علی و بر محمد»^۸ یک عدد افزون نما
 تاییدی سال قتل شه علی موسی الرضا (سال ۲۰۳ق)

- {ه=۵}
۱. {حزب الله به حساب حروف ابجد میشود: ۸۳ (ح=۸-ز=۷-ب=۲-الف=۱-لام=۳۰-لام=۳۰-ه=۵} سالهای ۸۰ و ۸۳ یعنی دو قول برای ولادت امام صادق در تاریخ نقل شده است.
۲. {علی و آل بحساب ابجد می شود: ۱۴۸ (عین=۷۰-لام=۳۰-ی=۱۰-واو=۶-آ=۲-لام=۳۰)}
۳. {واجب الطاعه به حساب ابجد ۱۲۸}
۴. {صالح به حساب ابجد می شود: ۱۲۹ (ص=۹۰-الف=۱-لام=۳۰-ح=۸}. سالهای ۱۲۸ و ۱۲۹ روایت شده است.
۵. {عمده دین بحساب ابجد می شود: ۱۸۳ (عین=۷۰-میم=۴۰-دال=۴-ه=۵-دال=۴-ی=۱۰-نون=۵۰} لذا شهادت امام کاظم علیه السلام سال ۱۸۳ می باشد
۶. {وجه الحق به حساب ابجد می شود ۱۴۸ (واو=۶-جیم=۳-ه=۵-الف=۱-لام=۳۰-ح=۸-قاف=۱۰۰}
۷. {لله الحمد به حساب ابجد می شود: ۱۵۳ (دو عدد لام می شود ۶۰-ه=۵-الف=۱-لام=۳۰-ح=۸-میم=۴۰-دال=۴} لذا برای سال ولادت امام رضا علیه السلام دو قول است ۱۴۸ و ۱۵۳ ق
۸. {علی و محمد به حساب ابجد می شود: ۲۰۲ (عین=۷۰-لام=۳۰-ی=۱۰-میم=۴۰-ح=۱۰-میم=۴۰-دال=۴ به اضافه ۱ یعنی ۲۰۳ ق}

در سال ولادت جواد الائمه است ع

«الله لطیف»^۱ سال میلاد تقی است هم فوزمبین و صادق این سه یکی است (سال ۱۹۵ ق)

در سال وفات آنجناب است:

چون بود تقی مظهر الله صمد
تاریخ شهادت تقی بن رضا
شد سال وفات «قل هو الله احد»^۲
باشد دو «علی»^۳ بنزد ارباب رضا (سال ۲۲۰ ق)

در سال ولادت حضرت هادی ع:

از «علی بن محمد»^۴ پای غم بیرون نما
تایابی سال میلاد تو بیچون و چرا (سال ۲۱۴ ق)

در سال رحلت آن امام عالیقدر:

تاریخ شهادت علی هادی
بی شبهه «علی بن محمد»^۵ باشد (سال ۲۵۴ ق)

در سال ولادت امام عسکری ع

گر تو خواهی شوی خیر و بصیر
سال میلاد عسکریست «کبیر» (سال ۲۳۲ ق)^۶

۶۱ - - - - -

۱. {الله لطیف به حساب ابجد می شود: ۱۹۵ (الف = ۱ - لام = ۳۰ - لام = ۳۰ - ه = ۵ - لام = ۳۰ - ط = ۹ - ی = ۱۰ - ف =

۸۰ = لذا سال ولادت آن امام ۱۹۵ ق است صادق به حروف ابجد می شود ۱۹۵. ص = ۹۰ - الف = ۱ - دال = ۴ - قاف = ۱۰۰
اما فوزمبین می شود ۱۹۵. ف = ۸۰ - واو = ۶ - ز = ۷ - میم = ۴۰ - ب = ۲ - ی = ۱۰ - ن = ۵۰ =

۲. {قل هو الله احد به حساب ابجد می شود: ۲۲۰ (قاف = ۱۰۰ - لام = ۳۰ - لام = ۳۰ - ه = ۵ - واو = ۶ - الف = ۱ - ح = ۸ - دال = ۴}

۳. {دو علی نیز می شود ۲۲۰ (دوعین = ۱۴۰ - دولام = ۶۰ - دوی = ۲۰ = لذا شهادت آن امام در سال ۲۲۰ ق است.}

۴. {علی بن محمد بدون یک میم می شود: ۲۱۴ (ع = ۷۰ - لام = ۳۰ - ی = ۱۰ - ب = ۲ - ن = ۵۰ - میم = ۴۰ - ح = ۸ - دال = ۴} لذا سال ولادت امام هادی ۲۱۴ است

۵. {علی بن محمد به حساب ابجد می شود ۲۵۴ (عین = ۷۰ - لام = ۳۰ - ی = ۱۰ - ب = ۲ - نون = ۵۰ - میم = ۴۰ - ح = ۸ - میم = ۴۰ - دال = ۴ = سال شهادت ایشان ۲۵۴ ق است.}

۶. {ولادت امام عسکری علیه السلام سال ۲۳۲ ق است. کبیر به حساب حروف ابجد می شود: ۲۳۲ (کاف = ۲۰ - ب = ۲ - ی = ۱۰ - ر = ۲۰۰ =}

در سال شهادت آنولی الهی است:

حسن عسکری که سر خداست

سنه «سر»^۱ وفات آنمولى است (سال ۲۶۰ ق)

در میلاد حضرت بقیة الله المنتظر:

مولد نور حق امام زمان

«نور»^۳ یا «نهر»^۴ سال آن میدان

قول دیگر بمولدش «انوار»^۲

ضبط گردیده است در اخبار (سال ۲۵۸ ق)

اللهم كن لوليک وابن اولیائک مولانا وسیدنا الحجة ابن الحسن صلواتک علیه وعلی
آبائه فی هذه الساعة وفى کل من ساعات اللیل والنهار ولیا وناصرا وقائدا وحافظا ودلیلا و
عینا حتى تسکنه ارضک طوعا وتمتعه فیها طویلا.



۱. {بنابراین سال شهادت امام عسکری (ع) ۲۶۰ ق است. کلمه سربه حساب ابجد می شود: ۲۶۰ (سین = ۶۰ - را = ۲۰۰)}

۲. {کلمه انوار به حساب ابجد می شود: ۲۵۸ (الف = ۱ - نون = ۵۰ - واو = ۶ - الف = ۱ - را = ۲۰۰)}

{سألهای ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۸ روایت شده است}.

۳. {نور به حساب ابجد می شود ۲۵۶ (نون = ۵۰ - واو = ۶ - را = ۲۰۰)}

۴. {نهر نیز به حساب حروف ابجد می شود: ۲۵۵ (نون = ۵۰ - ه = ۵ - را = ۲۰۰)}